

تبارشناسی امنیت اجتماعی با رویکرد تبیین نقش و جایگاه پلیس

رقیه کسای^۱

تاریخ دریافت: 1393/09/19

تاریخ پذیرش: 1393/12/01

چکیده

«امنیت اجتماعی» حالت آسایش همگانی از ترس، تهدید، اضطراب، محفوظ ماندن جان، مال، ناموس، شرف، آبرو، شغل، اعتقادات و باورهای مردم از هر نوع تهدید و تعرض است. در واقع شامل کلیه اقدام‌هایی است که به موجب آن اقشار مختلف مردم در محیطی آرام بتوانند فعالیت‌های اجتماعی خود را انجام دهند. حاکمان و سرمداران هر جامعه‌ای وظیفه دارند تا نسبت به تأمین امنیت اجتماعی در آن جامعه اقدام نمایند و در این راستا از ابزارهای مختلفی بهره می‌گیرند. در کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران نیز در تأمین امنیت اجتماعی برخی ارگان‌ها نقش داشته و ایفای وظیفه می‌نمایند. مسئله اصلی این پژوهش این است که بدانیم مفهوم امنیت اجتماعی چیست و نیروی انتظامی (پلیس) چه نقش و کارکردی در تحقق امنیت اجتماعی می‌تواند از خود داشته باشد؟ روش این تحقیق ازلحاظ هدف «کاربردی» و از نظر روش «توصیفی تحلیلی» با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

نتایج پژوهش حاکی است که نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی نقشی محوری و اثرگذار داشته و در سه حوزه اصلی 1. ارائه خدمات انتظامی به آحاد مردم؛ 2. کارکرد تعاملی با سایر ارگان‌های جامعه و نیز 3. در مقام انجام اقدامات پلیسی (از قبیل مقابله با مخلان امنیت اجتماعی) و با به‌کارگیری روش‌های مختلف، می‌تواند موجبات تأمین و حتی ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه را فراهم نماید.

کلید واژه‌ها:

امنیت / امنیت اجتماعی / نیروی انتظامی

1. عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌شمال، تهران - ایران

مقدمه

امنیت اجتماعی، مقوله بسیار با اهمیتی است که بایستی به آن توجه جدی داشته و اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شد. بدون تردید، امنیت زیربنای سازندگی هر کشور در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی است و بدون داشتن امنیت، استعدادها شکوفا نشده و ارزش‌ها ظهور و بروز نخواهند یافت. اگر گفته شود امنیت برای جامعه، همانند هوا و غذا امری ضروری است، نظریه‌ای است منطقی با پذیرش عقلی. امنیت اجتماعی و چگونگی استمرار، تثبیت و تداوم آن، از جمله اساسی‌ترین هدف‌ها و وظایف دولت‌هاست.

در یک جامعه سامان‌یافته و مردمی، وجود امنیت اجتماعی، اساسی‌ترین عامل توسعه و رشد همه جانبه به شمار می‌رود که بدون رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، تحقق آن امکان‌پذیر نیست. بدون وجود امنیت اجتماعی، هیچ برنامه‌ای در داخل یک کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، طرح‌ریزی برای رشد و هرگونه برنامه دیگر، نیاز به آرامش و زمینه مطمئن در سطوح مختلف جامعه دارد که همگی در گرو برقراری امنیت اجتماعی است. در واقع امنیت اجتماعی، در زمره هدف‌ها و ارزش‌های اصولی و پایدار هر جامعه است. هر جامعه‌ای یک نظام اجتماعی است که از اجزا یا خرده نظام‌های مختلفی شکل گرفته است که با یکدیگر در ارتباط هستند. یک نظام اجتماعی به‌طور حتم و اجتناب‌ناپذیر با محیط بیرونی خود رابطه دارد. امنیت اجتماعی یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضای خود ایجاد می‌کند. همچنین در

هر جامعه و حکومتی، توجه به نقش نهادهای اجتماعی، گروه‌های سیاسی و اجتماعی، ساختار اداره کشور و جنبه‌های نرم‌افزاری امنیت اجتماعی مثل مشروعیت، هویت، مشارکت عمومی، عمومیت‌یابی تفکر نظم و امنیت، تحمل‌پذیری و قانون‌گرایی و... بسیار حائز اهمیت است. هدف از تأسیس نهادهای امنیتی و نظامی و انتظامی، پاسداری از جان، مال، عرض و آبرو و در یک کلمه امنیت در تمامی ابعاد زندگی مردم است. هر اقدامی که آرامش و آسایش جسمی روحی و آزادی‌های مشروع و طبیعی افراد را سلب کند، اقدامی ضد «امنیت اجتماعی» است.

از منظر فلسفه اجتماعی، تأمین و حفظ امنیت اجتماعی در یک پیوستاری از ساخت‌ها، نهادها و هماهنگی‌های ساختاری و وحدت و اشتراک در حوزه نمادها و ارزش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد و در صورت اختلال در هریک از زنجیره‌های این پیوستار، اختلال در امنیت اجتماعی را فراهم خواهد ساخت. از این‌رو توجه جدی به زیرساخت‌های مؤثر در امنیت اجتماعی برای تبیین وضع موجود و چشم‌انداز آتی امری ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه که متضمن تأمین امنیت اجتماعی است، «نیروی انتظامی» است. در این مقاله، باتوجه به موضوع مقاله، به تبیین امنیت اجتماعی پرداخته و به‌طور دقیق و خاص، نقش و جایگاه پلیس را در این خصوص ذکر خواهیم کرد.

الف. کلیات

1/الف. بیان مسئله

اساساً موضوع امنیت اجتماعی از الزامات و نیازهای ضروری هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد. چرا که بدون آن، جامعه وضعیت نابسامان داشته و چرخه زندگی تک‌تک افراد در آن جامعه، دچار اختلال خواهد شد. بنابراین ضروری است حکومت‌ها برای تأمین و برقراری امنیت اجتماعی، تلاش نمایند. در این پژوهش، مسئله اصلی این است که امنیت

اجتماعی چیست؟ و نیروی انتظامی چه نقش و کارکردی در تحقق امنیت اجتماعی می‌تواند از خود داشته باشد؟ امری که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

2/الف. اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع‌هایی از قبیل سلامت روابط اجتماعی، آزادی، رفاه اقتصادی، توسعه، احترام به قانون و قانونمند بودن و... از مواردی هستند که در سایه امنیت اجتماعی می‌توانند ظهور و بروز پیدا کنند. در هر جامعه‌ای بدون وجود امنیت اجتماعی، هیچ برنامه‌ای در داخل کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، طرح‌ریزی برای رشد و هرگونه برنامه دیگر نیاز به آرامش و زمینه مطمئن در سطوح مختلف جامعه دارد که همگی در گرو برقراری امنیت اجتماعی است. در واقع تأمین امنیت اجتماعی در زمره هدف‌ها و ارزش‌های اصولی و پایدار هر جامعه است. در تأمین امنیت اجتماعی عوامل بسیار زیادی از قبیل: رسانه، مشارکت مردم، نهادهای رسمی و غیررسمی، خانواده، نیروی انتظامی و... تأثیر گذار می‌باشند. در این میان، نیروی انتظامی نیز نقشی اساسی و ویژه را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که توجه به این مهم می‌تواند در تأمین اجتماعی در جامعه کارکردی اساسی داشته و یا بالعکس در صورت غافل ماندن سردمداران جامعه از نیروی انتظامی و عدم توجه به آن، قطعاً امنیت اجتماعی دچار مخاطره شده و حتی می‌تواند امنیت ملی را دچار تزلزل نماید. بنابراین بررسی علمی و دقیق نقش و جایگاه پلیس در تأمین امنیت اجتماعی، به عنوان یک ضرورت مهم و غیرقابل انکار می‌باشد.

3/الف. هدف‌های تحقیق

هدف اصلی: شناخت امنیت اجتماعی با رویکرد ذکر نقش و جایگاه نیروی انتظامی

هدف‌های فرعی:

1. تعریف امنیت اجتماعی؛
2. شناخت پارامترها و شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه؛
3. شناخت وظایف و کارکردهای نیروی انتظامی در جامعه؛

4. تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی؛
5. شناخت راهکارهای مناسب برای تأمین امنیت اجتماعی با رویکرد تبیین نقش و جایگاه پلیس؛
6. ایجاد حساسیت در مسئولان و مدیران به توجه بیش از پیش به نقش و جایگاه نیروی انتظامی در تأمین و ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه.

4/الف. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی: امنیت اجتماعی چیست و نیروی انتظامی در این راستا چه نقشی ایفا می‌کند؟

سؤال‌های فرعی:

1. امنیت اجتماعی چیست؟
2. پارامترها و شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه کدام‌اند؟
3. وظایف و کارکردهای نیروی انتظامی در جامعه چیست؟
4. نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی چیست؟
5. راهکارهای مناسب برای تأمین امنیت اجتماعی با رویکرد نقش و جایگاه پلیس، کدام‌اند؟

5/الف. روش تحقیق

روش تحقیق از لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر روش «توصیفی تحلیلی» با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

ب. ادبیات نظری

1/ب. تعاریف و اصطلاحات

- پلیس (نیروی انتظامی)

تعریف لغوی: سازمانی در داخل کشور که متصدی حفظ نظم و مال افراد است (معین،

1375: 120). حفظ نظم و آرامش کشور را نمودن (آریان‌پور، 1370: 576).

تعریف قانونی: ماده 1 قانون نیروی انتظامی ج.ا.ا. (مصوب 1369/04/27) اشعار می‌دارد: پلیس ایران تحت عنوان نیروی انتظامی سازمانی است مسلح، تحت تابعیت فرماندهی معظم کل قوا و از طرفی وابسته به وزارت کشور که طبق قانون استخدامی کشور در زمره نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

تعریف کارکردی: براساس ماده 3 قانون نیروی انتظامی هدف از تشکیل این نیرو، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور ایران است. در ماده 4 همین قانون، 26 وظیفه برای نیروی انتظامی برشمرده شده است.

• امنیت¹

«امنیت» در لغت به معنای صیانت از نفوس و اموال و دین، در ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است (معین، 1384: 352).

مقوله امنیت، قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. در تاریخ، جامعه‌ای را سراغ نداریم که دیر زمانی فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد. در یک کاوش تبارشناسانه، مفهوم امنیت را می‌توان دارای قدمتی طولانی‌تر از مفهوم «اجتماع» و «جامعه» دریافت، ولی نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در این عرصه را شاید بتوان در آثار فلاسفه‌ای چون افلاطون و ارسطو یافت (خوش‌فر، 1380: 148).

قرآن کریم به‌عنوان اولین متون اسلامی «امنیت» را در زمره امدادهای الهی می‌شمارد و می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا...؛ سپس بعد از آن غم و محنت، آرامشی (به‌صورت) خوابی سبک بر شما نازل کرد» (آل عمران، 154)؛ و نیز امنیت را یکی از هدف‌های استقرار حاکمیت خداوند و حکومت صالحان و طرح امامت می‌داند و در این باره می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای

شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در این سرزمین جانشین گرداند، چنان‌که امت‌های صالح پیامبران سلف جانشین (پیشینیان) خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از ترس و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بدون هیچ شائبه شرک و ریا پرستش نمایند» (نور، 55).

حضرت امام علی (ع) امنیت را به مثابه گواراترین نعمت مایه رفاه زندگی و یکی از هدف‌های ذاتی و مأموریت‌های اساسی حکومت اسلامی می‌داند (وائقی، 1380: 43). امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد (افتخاری، 1385: 87).

امنیت، فرایندی است که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد، نهادهای مدنی و بروکراسی دولتی از ظهور، توسعه و نهادینه‌شدن فسادهای مختلف صیانت شده و در نتیجه باعث کاهش ضریب ناامنی افراد از ناحیه عملکرد سایر بازیگران اجتماعی است (افتخاری، 1384: 25).

امنیت را می‌توان هم به‌عنوان هدف و هم به‌عنوان نتیجه تعریف کرد. اگر آن را یک هدف تعریف کنیم، در حقیقت اشاره به حفظ ارزش‌های اصلی دارد و به‌عنوان یک نتیجه، امنیت به این معنی است که ما نمی‌توانیم ماهیت آن را بشناسیم و یا اهمیت آن را بدانیم، مگر اینکه با خطر از دست دادن آن روبه‌رو شویم. بنابراین از بعضی لحاظ، امنیت بر مبنای خطراتی تعریف می‌شود که آن را تهدید می‌کند (چگینی‌زاده، 1379: 67-68).

• امنیت اجتماعی

ریشه تاریخی مفهوم امنیت اجتماعی، به اندازه قدمت بشریت است. ترجمه تحت‌اللفظی مفهوم امنیت اجتماعی، اصطلاح «social security» را تولید می‌کند که این اصطلاح در زبان انگلیسی به‌مفهوم تأمین اجتماعی و در حوزه خدمات رفاهی می‌باشد (بابائیان، 1388: 180).

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای نخستین بار در کتاب «مردم، دولت و هراس» در سال 1991 به کار برد. امنیت اجتماعی، تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بعدی او به مقوله امنیت است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی، اما تمام ابعاد از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت دولتی هستند و جامعه تنها یکی از بخش‌هایی است که دولت ممکن است در آن، مورد تهدید واقع شود. بوزان موضوع‌های مربوط به امنیت اجتماعی را تهدیداتی دانست که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد. به نظر عده‌ای امنیت اجتماعی به وسیله دولت و هیئت حاکمه و به نظر عده‌ای دیگر با مشارکت مردم در جامعه تبیین و اجرا می‌شود (بوزان، 1387: 50).

مقصود از امنیت اجتماعی، حالت آسایش همگانی از ترس، تهدید، اضطراب، محفوظ ماندن جان، مال، ناموس، شرف، آبرو، شغل، اعتقادات و باورهای مردم از هر نوع تهدید و تعرض است. در تعریفی دیگر امنیت اجتماعی، کلیه اقداماتی که به موجب آن اқشار مختلف مردم در محیطی آرام بتوانند فعالیت‌های اجتماعی خود را انجام دهند (باقری، 1387: 175).

مکتب کپنهاک در نیمه دوم دهه 1980 که در کپنهاک دانمارک تأسیس گردید، در زمینه مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی و امنیت اجتماعی پیشگام بوده است. بحث اصلی در اینجا که در مطالعات موردی فعالیت می‌کند، این است که این مکتب در زمینه مطرح کردن مفهوم امنیت اجتماعی پیشگام بوده است. در مطالعات امنیتی بیش از تمرکز بر تهدیدها ناظر بر حاکمیت، باید به تهدیدهای معطوف به هویت تأکید کرد. به نظر اندیشمندان این مکتب، تنها موضوع‌هایی می‌توانند بر چسب «امنیتی» بخورند که تهدیدی وجودی¹ علیه هدف‌های مرجع² مطرح کنند. تهدیدها ممکن است نه تنها از سوی دولت‌های سرزمین

۱. Existential Threats

۲. Referent Objects

بلکه از جانب بازیگران غیردولتی نظیر ملت‌ها، قبایل، طبقات، مجموعه‌ای از اصول انتزاعی، نظیر قواعد نظم اقتصاد بین‌الملل لیبرال یا حتی خود طبیعت، نظیر محیط زیست جهانی، دولت‌های مهاجم، روندهای اجتماعی نامطلوب^۱ همچون رشد سریع جمعیت و امپریالیسم فرهنگی مانند غربی کردن^۲ مطرح شوند (عسگری به نقل از کریمایی، 1386: 45).

امنیت اجتماعی حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی، فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید فرض بر این است که قانون با تعریف و حد گذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا فراتر گذاشته‌اند، امنیت فردی و اجتماعی را پاسداری می‌کند. نهادهای قانونی نظیر دستگاه پلیس و دادگستری، مأمور اجرای قانون و حمایت از فرد و جامعه در برابر قانون شکنان هستند (آشوری، 1379: 39).

«معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود، احساس خوف و تهدید و ناامنی نکنند. این مسئله، خیلی مهم است... امنیت موضوع مهمی است و نقش آن در زندگی اجتماعی نقش بسیار بالایی است» (از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان و فرماندهان ناجا و سازمان تأمین اجتماعی، 1373).

امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده امنیت ملی است و چنانچه به هر میزان این مؤلفه در میان سایر مؤلفه‌ها نقش بیشتری داشته باشد، امنیت ملی پایدارتر، کم‌هزینه‌تر و بالنده‌تر است (کریمایی، 1386: 38).

امنیت اجتماعی عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند، امنیت اجتماعی را اغلب به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم کرده‌اند.

در میان جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان امور امنیتی، «ویور» امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر

۱. Unfavorable

۲. Westernization

و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف و برای ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید می‌کند. امنیت اجتماعی را می‌توان از حیث شمولیت و فراگیری امنیت عمومی قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. بی‌تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود (کریمی، 1388).

امنیت اجتماعی دلالت بر مجموعه سیاست‌ها و راهکارهایی دارد که هدف از آن، اطمینان خاطر اولیه و نسبی برای افراد و ارتقای منزلت اجتماعی آنان در تعاملات و شبکه‌ی روابط اجتماعی می‌باشد (افتخاری، 1384: 26).

امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. همچنین حفظ تعلقات و پیوندهای متقابل درون هر یک از واحدهای اجتماعی و میان واحدهای اجتماعی یک جامعه به‌منظور پاسداری از حیات واحدها و تضمین بهره‌گیری آنان از منافع و ارزش‌ها یا همان فرصت‌ها (نویدینا، 1384: 44).

اندیشمندان اجتماعی معتقدند بستر اجتماعی با دخل و تصرف در حوزه نه‌گانه ایده دولت، جنبش‌های اجتماعی، روندهای جهانی، نگرش به آینده، هویت ملی، تحولات گفتمانی، جامعه مدنی، ادغام ژئوپلتیک، وابستگی اقتصادی، تصویر و مفهوم امنیت را در هر جامعه متحول می‌سازد، بنابراین تنها راه شناخت بومی امنیت مراجعه به مبادی نه‌گانه بالا و سپس تعریف امنیت در درون آنهاست که در حکم متن اجتماعی امنیت هستند. به گفته کارشناسان اجتماعی در جامعه بسامان، آنچه امنیت اجتماعی را تضمین می‌کند، پایبندی افراد به قراردادهای اجتماعی و متقابلاً عمل دولت به تعهداتش نسبت به مردم و در نتیجه ایجاد رابطه منطقی و مبتنی بر محبت بین مردم و دولت است و بدین ترتیب، امنیت اجتماعی در جامعه‌ای معنا پیدا می‌یابد که بر نظام اجتماعی سازمان‌یافته استوار باشد و تحلیل‌گران اجتماعی همچنین تصریح می‌کنند که ریشه‌کنی عوامل مخل امنیت،

برای تعمیق امنیت اجتماعی در جامعه و دوام نظام اجتماعی، نیازمند پذیرش درونی الگوها و تعهد اعضای جامعه به پایبندی به آنهاست (کریمایی، 1386: 43).

امنیت اجتماعی، در حقیقت حد فاصلی است از امنیت ملی که برای مردم یک جامعه ملموس و عینی بوده و با آن به‌طور روزمره سر و کار دارند. امنیت اجتماعی زیر بنای امنیت ملی در مراحل بالاتر محسوب می‌شود و به نوعی ابتدایی‌ترین وظایف دولت‌ها برقراری امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی، فعالیتی حکومتی است که هدفش استقرار امنیت در کشور بوده و این فعالیت‌ها متضمن کارها و اعمال دفاع اجتماعی و مدنی، تنظیم عبور و مرور، رعایت آداب عمومی و اطفای حریق و... است (ربیعی، 1383: 149). از حیث نظری، ناهنجاری‌های اجتماعی مانند: قتل، سرقت، گسترش موادمخدر، گسیختگی‌های اخلاقی، منازعات قومی و بحران‌های هویت، در بحث امنیت اجتماعی مطرح می‌باشند.

نوع دیگر امنیت، امنیت اجتماعی است که با مفاهیم نظم اجتماعی، هویت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و در نهایت، اعتماد اجتماعی نسبت نزدیکی دارد. در این رابطه جوامع زمانی از امنیت اجتماعی برخوردار می‌گردند که هویت آن‌ها مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه، تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل می‌کند. به‌عبارت دیگر، زمانی امنیت اجتماعی تهدید می‌شود که جامعه مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. با این نگاه، منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع و منزلت اجتماعی گروه‌های اجتماعی و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی به‌عنوان سه مقوله اصلی در چارچوب فرهنگ هر جامعه است. در اینجا مرجع امنیت، گروه‌های اجتماعی هستند، نه دولت (غرایاق‌زندی، 1386: 175-176).

2/ب. ویژگی‌های امنیت:

- امنیت، جامع است: یعنی هر حوزه‌ای را که برای اداره امور جامعه ضروری است، دربر می‌گیرد؛

- امنیت، تجزیه‌ناپذیر است: یعنی فقدان امنیت در هر بعد از ابعاد متصوره آن، به کل امنیت صدمه می‌زند. باید دانست که مفهوم «خودی - دیگر» مهم‌ترین پایه درباره معانی امنیت است. در سطح کلان امنیت ملی، این امر بسیار حائز اهمیت و حیاتی است. «خودی» کسی است که به هدف‌های ثابت امنیت ملی (شامل 5 مقوله: تمامیت ارضی، رفاه و آسایش و تأمین اجتماعی، حیثیت بین‌المللی، حفظ و افزایش قدرت فیزیکی، استقلال و خودکفایی) معتقد است. «دیگری» خود دو قسم دارد: یکی درونی (که در استراتژی امنیت داخلی اثر می‌گذارد) و دوم بیرونی (که به استراتژی امنیت ملی مربوط است). «حفظ نظام» که ولایت و امامت در تئوری اسلام به‌ویژه در اینجا برای پیوند بین اعضا و گروه خودی‌ها نقش بارزی است؛
- امنیت، ذاتی است: ذاتی به معنای عدم نیاز به علت و دلیل و گریز است. امنیت یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت و عامل مصونیت و مدافع مصونیت؛
- امنیت به عدالت: که مقدم بر همه امور بوده و محدود می‌باشد. در اسلام این محدوده شامل احکام الهی، رعایت حق و قسط و مسئولیت متقابل حاکم و ملت و انصاف و شفقت بر خلق و مانند این‌هاست؛
- ضریب همبستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی و فردی انسان تابع سطوح امنیت است، نه بالعکس: تقدم امنیت به‌عنوان یک نعمت مجهول‌القدر بر سایر نعمت‌ها، امری غیرقابل تردید است؛
- امنیت، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است: در شناخت آن باید به «نامنی» توجه کرد. ادراک عمدتاً خصلت نظری و انتزاعی و ذهنی دارد. این جنبه از ادراک را «درک مفهومی» می‌نامند. جنبه حسی و عینی‌تر ادراک، همان احساس است. در افراد مختلف به‌طور طبیعی احساس‌ها متنوع است، و به لحاظ اینکه در انواع روابط اجتماعی تا چه اندازه متففع یا متضرر می‌شوند، این احساس طبیعی از احساس ناامنی شدید (متضررترین فرد) تا احساس

امنیت زیاد (منتفع‌ترین افراد) را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین وضعیت‌های اجتماعی که افراد به‌طور نسبتاً پایدار در آن قرار دارند و به تعامل می‌پردازند، عبارت‌اند از: محیط خانوادگی، محیط کار و محیط اجتماعی (جامی به نقل از کوچی، 1392: 59).

3/ب. ابعاد ذهنی و عینی امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در واقع مفهومی ذهنی و درونی است و تابعی از نحوه برداشت و قضاوت افراد جامعه است. ذهنی بودن این مفهوم به این معنی است که امنیت اجتماعی ما به ازای بیرونی مستقل از قضاوت و ارزیابی مردم جامعه ندارد که بتوان آن را ارزیابی کرد. ارزیابی این مفهوم از دید یک ناظر بیرونی، مستلزم مراجعه وی به قضاوت آحاد جامعه از وضعیت ایشان است اینکه مردم تا چه حد شرایط و محیط زندگی خود را ایمن می‌پندارند و تا چه میزان احساس آرامش و رضایتمندی می‌کنند به دو عامل بستگی دارد: نخست، استاندارد زندگی و شرایطی که به‌عنوان مرجع پذیرفته شده است. عامل دوم ناظر بر اطلاع آحاد جامعه و شرایط زندگی و محیطی می‌باشد.

بدین ترتیب، شاخص‌های پنج‌گانه تهدیدهای کلان یعنی حفظ زبان و ادبیات، لباس و نحوه پوشش، عادات، سنن و فرهنگ‌های جاری، باورها و عقاید را می‌توان به دو بعد ذهنی و عینی قابل تقسیم دانست. باورها و عقاید با در هم آمیزی با ارزش‌ها، بعد ذهنی و آیین‌ها و مناسک بعد عینی جامعه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، شکاف طبقاتی، حاشیه نشینی، رشد جمعیت شهری و یادگیری پنهان به‌عنوان تهدیدهای خرد به‌صورت مستقیم در تأمین اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. این شاخص‌ها در جنبه عینی فعالیت داشته و نوع رابطه آنان، تعامل چندگانه است (بابائیان، 1388: 181).

4/ب. پارامترها و شاخص‌های امنیت اجتماعی در جامعه

ارزیابی مردم از وضعیت امنیت اجتماعی، مهم‌ترین پارامتر برای تعیین ضریب امنیت در یک کشور است، زیرا امنیت امری نسبی و احساسی است و حتی اگر با مقایسه پارامترها و شاخص‌ها مختلف امنیت اجتماعی (از جمله: سرقت، قتل، تجاوز، اعتیاد،

ضرب و جرح و...) اثبات کنیم که وضع بهتری نسبت به سایر کشورها داریم، تا زمانی که این موضوع مورد پذیرش مردم قرار نگرفته است، نمی‌توانیم مدعی ایجاد امنیت باشیم. بنابراین نمی‌توان صرفاً با تجزیه و تحلیل کمی آمار، میزان امنیت را در جامعه تعیین کرد بلکه باید به این سؤال مهم پاسخ داد که: مردم واقعاً تا چه حد احساس امنیت می‌کنند؟ احساس ایمنی زمانی حاصل می‌شود که فرد در درون خود احساس کند «تهدید نمی‌شود». تطابق «حس امنیت» و «وجود امنیت» واقعی در جامعه دارای دو جنبه متمایز از یکدیگر است؛ به طوری که ممکن است افراد درحالی در یک جامعه احساس امنیت کنند که عوامل تهدیدکننده ضریب امنیت اجتماعی را پایین آورده است و از سوی دیگر در برخی از جوامع باوجود بالابودن ضریب امنیت اجتماعی و پایین‌بودن عوامل تهدیدکننده و برهم‌زننده نظم، مردم با احساس ناامنی مواجه باشند و این نکته اساسی‌ترین جریان پیش روی این بحث است.

فرهنگ و ارزش‌های مشترک از عوامل پایدار قوام هر کشوری است. امروزه اکثر نظام‌های سیاسی در کنار دیگر عوامل، گسترش و حفظ ارزش‌های دلخواه خود را جزو هدف‌ها و منافع ملی به‌شمار می‌آورند با چنین برداشتی، عواملی که به تضعیف یا نابودی این ارزش‌ها و فرهنگ مشترک می‌انجامد، باید جزو تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی تلقی شود، خصیصه‌ای که این تهدیدها را از دیگر تهدیدهای امنیت ملی متمایز می‌سازد، عامل فراگیری و تداوم است و به سخنی دیگر، تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی هنگامی به‌عنوان تهدیدهای امنیت ملی ارزیابی می‌شوند که به جریانی فراگیر و مداوم تبدیل شوند. برای نمونه «اعتیاد» یک پدیده و معضل اجتماعی است که اکثر جوامع و نظام‌های سیاسی گرفتار آن هستند. آیا وجود شماری معتاد، امنیت ملی یک کشور را به خطر می‌اندازد؟ البته مبانی ارزش‌ها و دیدگاه‌ها و اولویت‌های تصمیم‌گیران سیاسی یک جامعه نیز در تلقی یک پدیده به مثابه آسیب یا تهدید مؤثر است (کریمایی، 1386: 55).

فرهاد درویشی سه‌تلائی معتقد است هرچند پدیده اعتیاد بالقوه امنیت ملی هر کشوری را به خطر می‌اندازد، اما بالفعل هنگامی تهدید اصلی و اولیه امنیت ملی است که به یک جریان عمومی و فراگیر در جامعه تبدیل شده باشد؛ به‌گونه‌ای که بر تمامی عرصه‌های جامعه مانند اقتصاد و دفاع اثر منفی بگذارد. روی هم‌رفته مسائل گوناگون مانند اعتیاد، رسوخ فرهنگ بیگانه، تغییرات سریع جمعیت، ضعف فرهنگ خودی در چالش با مسائل رخ داده، مهاجرت‌های گروهی، حاکمیت روحیه قوم‌گرایی شدید در جوامع چند قومی و... از جمله تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی هستند که در صورت برخوردار شدن از دو عامل فراگیری و پیوستگی، می‌توانند امنیت ملی هر کشوری را در معرض خطر قرار دهند (همان، 56).

یک بررسی ساده در حوادث اجتماعی نشان می‌دهد که عامل و علت بسیاری از حوادث، فقر و بیکاری و محرومیت از رفاه اجتماعی است، عاملی که امنیت اجتماعی را عقب مانده نگه می‌دارد. فقر درحالی امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند که دامنه وسیعی از آن قشر جوان را دربر گرفته و در سایه آن ناهنجاری اجتماعی و شدیدتر از آن جرم به وقوع می‌پیوندد. بنابراین برای افزایش سرانه امنیت و کاهش بزه و جرم در جامعه قدم نخست باید سالم‌سازی فضا برای زندگی سالم اجتماعی باشد. مهم‌ترین منبع تهدیدهای امنیت اجتماعی، تهدیدکنندگان داخلی هستند که به برخی از آنان اشاره می‌شود: گروه‌های قومی، اقلیت‌های دینی، قدرتمندان اقتصادی، اقشار اجتماعی (همان، 57).

شاخص‌های امنیت اجتماعی در قالب عناصر هویتی که کلیت یکپارچه جامعه را فراهم می‌کند، مطرح می‌شود. همان‌گونه که نبود تهدید نسبت به هویت جامعه روی دیگر سکه امنیت اجتماعی است، نبود خطر و تهدیدها نسبت به عناصر هویتی جامعه نیز روی دیگر سکه امنیت اجتماعی خواهد بود. بنابراین شاخص‌های امنیت اجتماعی چیزی جدا از عناصر هویتی جامعه نخواهد بود (همان، 58).

5/ب. مشکلات امنیت اجتماعی در محیط ملی:

مشکلات امنیت اجتماعی را می‌توان در چهار مقوله تقسیم‌بندی کرد:

1. مشکلات سیاستگذاری

تفاوت مکتب مسئولان سیاسی برای تأمین امنیت یا مکتب مجریان، به‌طوری که طرح‌ها، دستورالعمل‌ها و تجهیزات به‌کارگیری شده در دستگاه‌های ذی‌ربط برای یک نوع رفتار است، در حالی که انتظار مسئولان سیاسی از نوع عملکرد این دستگاه‌ها به گونه دیگری است، سبب پیداشدن حوادثی همچون کوی دانشگاه تهران می‌شود که در بی‌ثبات جلوه دادن امنیت کشور تأثیر زیادی داشت.

بخش عمده‌ای از شکل‌گیری جرائم و مشکلات اجتماعی، حاصل سازوکارهایی است که می‌تواند به تشدید مشکلات اجتماعی منجر شود، به‌عنوان مثال اگر سیاست‌های اقتصادی و به‌ویژه سیاست‌های مسکن منجر به افزایش مناطق حاشیه‌نشین شود و مناطق حاشیه‌نشین به دلیل ویژگی‌های خاص جرم‌خیزی، در برنامه‌ریزی‌های شهری نادیده گرفته شوند، تلاش برای تحقق امنیت اجتماعی چندان تأثیری نخواهد داشت (کریمایی، 1386: 58).

2. مشکلات ساختاری

جامعه‌شناسان با تقسیم امنیت اجتماعی به سه سطح کلان، متوسط و خرد، بر این باورند که تأمین امنیت اجتماعی به‌هیچ‌وجه از عهده یک سازمان بر نمی‌آید و نگاه به امنیت باید همه‌جانبه باشد. تحلیلگران اجتماعی تصریح می‌کنند که ریشه‌کنی عوامل مخل امنیت، برای تعمیق امنیت اجتماعی در جامعه و دوام نظام اجتماعی، نیازمند پذیرش درونی الگوها و تعهد اعضای جامعه به آنهاست. ازسوی دیگر، کنترل اجتماعی نیز که عمدتاً پلیس را ناظر بر اجرای درست هنجارها، قواعد و قوانین اجتماعی می‌سازد، ضروری است، هرچند که بدون نظم اجتماعی پایدار، عملیات پلیسی مبتنی بر تنبیه و ترس قادر به هم‌نوایی بلند مدت با جامعه نخواهد بود (همان).

3. مشکلات رفتار مدیریتی

حتی اگر فرض کنیم سیاست‌های واحد امنیتی تبیین و ابلاغ شده و مشکلات ساختاری نیز با تعیین وظایف برطرف شده است، تا زمانی که رفتار مدیران امنیتی روش‌مند و هماهنگ نشده باشد، نمی‌توان به توفیق طرح‌ها و برنامه‌های امنیتی اجتماعی امید بست (همان، 59).

4. ضعف مبانی علمی

اغلب مراکز آموزشی و پژوهشی که در مقوله امنیت اجتماعی دارای مسئولیت هستند، همگی وابسته به ارگان‌های دولتی بوده و جهت‌گیری‌های آموزشی و پژوهشی آن‌ها عمدتاً در راستای هدف‌های سازمان‌های مربوط تعریف می‌شود، بنابراین نتایج پژوهش‌ها قابلیت تصمیم‌سازی در سطح کلان را ندارد. از طرف دیگر، دستاوردهای علمی کشورهای غربی به دلیل تفاوت‌های ماهوی در ارزش‌ها، نگرش‌ها به صورت مطلق قابل استفاده در کشور نیست و باید در کشور بومی شود (همان).

ج. نقش و جایگاه پلیس در تأمین امنیت اجتماعی**1/ج. وظایف و کارکردهای هشت‌گانه نیروی انتظامی در اجتماع**

داود غریب‌زندی معتقد است که در بررسی وضعیت و مأموریت‌های پلیسی، کارکردهای مختلفی وجود دارد؛ وی براساس تعریف ارائه شده از امنیت اجتماعی، پلیس را دارای هشت وظیفه و کارکرد می‌داند که عبارت‌اند از:

1. تأمین نظم و امنیت، آسایش و آرامش خاطر افراد و اعضای جامعه و مراقبت

از آنکه جزء وظایف انتظامی پلیس و سلبی محسوب نشده، بلکه رویکردی ایجابی در شکوفایی اقتصادی اجتماعی جامعه توسط پلیس است و این وظیفه جزء فعالیت‌های غیرانتظامی پلیس می‌باشد (نظارت بر انضباط اجتماعی)؛

2. پیشگیری از جرم و از بین بردن زمینه‌های وقوع آن به منظور تأمین امنیت

عینی و ذهنی در مردم؛

3. ارائه خدمات اجتماعی و خدمات‌رسانی به مردم در دو بخش ارائه خدمات اجتماعی و مردم‌یاری و کمک به مصدومان جامعه؛
4. تشکیل پلیس محله، مددکاری و ارائه مشاوره به مردم و مجرمان و نظارت اجتماعی بر آنان به منظور کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم توسط آنان؛
5. انجام اقدامات روانی و پیشگیرانه که موجب احساس امنیت یا عدم آن در جامعه می‌گردد؛
6. تشکیل پلیس خصوصی یا واگذاری بخشی از امور و وظایف پلیس به بخش خصوصی، به منظورهای کمک سازمانی؛
7. درآمدزایی و مشارکت گرفتن مردم در امر تأمین امنیت با رویکرد ایجابی؛
8. ایجاد صلح و عمل نمودن در اختلافات، ناآرامی‌ها، شورش‌ها و اغتشاشات به‌عنوان میانجی با رویکرد ایجابی در سه مرحله: اول، با حضور عینی و به‌عنوان میانجی در کاهش شورش و ناامنی؛ دوم، حائل‌شدن بین نیروهای درگیر و جداکردن آن‌ها؛ سوم، کنترل شورش و آرام‌سازی و اجرای قانون و...؛
9. جلوگیری و پیشگیری از گروگان‌گیری و اقدامات شروانه که موجب احساس امنیت یا ناامنی در جامعه گردد (شاکری، 1381: 35).

2/ج: نقش نیروی انتظامی در حفظ و تأمین امنیت اجتماعی، از منظر مقام معظم

رهبری (مدظله‌العالی):

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از مسائل اساسی و مهم جمهوری اسلامی را تأمین امنیت دانسته و خطاب به کارکنان خدوم و زحمتکش نیروی انتظامی که عهده‌دار نظم و امنیت هستند، می‌فرماید: «مسئله نیروی انتظامی، البته یک مسئله اساسی و مهم است. اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خلاصه کنیم و مثلاً به دو فصل، سه فصل و حداکثر به چهار فصل برسد؛ یک فصل از این چند فصل، فصل

«امنیت» است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می‌بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد فایده‌ای می‌دهد. امنیت که نبود، هیچ چیز نیست. امنیت، مثل هوا برای انسان، به‌طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این، اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است. امنیت تهران، واجب‌تر از امنیت مردم مرزنشین جنوب و شرق و غرب کشور نیست. امنیت افراد مرفه که از سرمایه و امکاناتی برخوردارند، واجب‌تر از امنیت آن کارگری که چشمش به مزد روزانه است، نیست. بنابراین امنیت متعلق به همه است؛ نیروی انتظامی هم متعلق به همه است» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی، 1376/4/25).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) امنیت را در تمام حالات برای انسان ضروری دانسته و نقش نیروی انتظامی را در این خصوص تبیین نموده و می‌فرماید: «در نظام اسلامی «امنیت»، امنیت عموم مردم است. در همه شئون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است. در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت و در هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است. اینجاست که اهمیت نیروی انتظامی معلوم می‌شود. شما برادران نیروی انتظامی، هر چه از لحاظ اقتدار و سرپنجه قدرتمندی که بتواند عناصر مخل امنیت را در کشور تعقیب کند، و نیز از لحاظ اخلاق، شرافت، نجابت، امانت و پاکدامنی، بر کیفیت خودتان بیفزایید، زیادی نشده است. نیروی انتظامی نظام اسلامی، همان‌طور که این آقایان در سرودشان می‌خواندند که «ما پناه دل‌های شکسته‌ایم»، باید حقیقتاً این‌طور باشد. نیروی انتظامی باید پناه دل‌های خائف و ترسان و جان‌هایی که احساس می‌کنند از سوی یک انسان یا جمع و مجموعه‌ای تهدید می‌شوند، باشد. وجود نیروی انتظامی، باید احساس امنیت را در مردم به‌وجود آورد. این، شأن نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی، 1376/4/25).

گزیده‌ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی) در خصوص نقش ناجا در تأمین امنیت اجتماعی، عبارت‌اند از:

- امروز مردم، نیروی انتظامی را امین خود می‌شمارند و بنابراین نیروی انتظامی باید در این کسوت مقدس، صحت در عمل، درستکاری و امانت را به‌طور کامل رعایت کند و با این عمل خود تأمین امنیت زندگی مردم را برقرار کند؛
- مهم‌ترین وظیفه نیروی انتظامی در جامعه اسلامی حفظ نظم و امنیت در سراسر کشور و ایجاد جوی اطمینان‌بخش برای جامعه است؛
- وظایف مهم این نیرو، اهم آن حفظ نظم و امنیت در سراسر کشور و اطمینان برای هم‌میهنان است؛
- انتظار عمومی از نیروی انتظامی، برقراری امنیت اسلامی است؛
- اکنون زمان آن است که نیروی یکپارچه انتظامی عملاً قابلیت‌ها و کارایی‌های خود را اثبات کند و نظم و امنیت را در سراسر کشور و مناطق مرزی تثبیت نماید؛
- حفظ نظم و امنیت به عهده شماست، ان‌شا... خداوند شما را در انجام وظایف‌تان نصرت دهد؛
- نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی برای از میان بردن ناامنی و مبارزه با عناصری است که در امنیت جامعه اخلال ایجاد می‌کنند، بنابراین این قدرت باید به‌دست انسان‌هایی صالح، امین و علاقه‌مند به سرنوشت مردم سپرده شود تا آن‌ها بتوانند امنیت را به‌درستی تأمین کنند.

3/ج. نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی

تأمین امنیت اجتماعی و برقراری نظم عمومی از ضروریات اولیه هر جامعه بشری است. در سایه این دو علل است که سایر هدف‌های جامعه امکان تحقق پیدا خواهند کرد. جامعه‌ای که نیروهای امنیتی و انتظامی آن کمترین اصطکاک و برخورد را با مردم داشته باشند، سالم‌ترین و مطلوب‌ترین جامعه است.

نیروی انتظامی تنها سازمان و تشکیلات مسئول برقراری نظم و امنیت در کشور است. این نیرو با برقراری امنیت در کنار نظم - که لازمه هرگونه پیشرفت فردی و اجتماعی است - امکان ادامه حیات مادی و معنوی و هرگونه توسعه ملی را فراهم می‌سازد. اولین برخورد قانونی با افرادی که به هر طریق درصدد برهم‌زدن امنیت و نظم جامعه هستند، توسط کارکنان نیروی انتظامی صورت می‌گیرد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به موجب قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب 1369/4/27 از ادغام شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی به وجود آمده است، به موجب ماده 3 این قانون وظیفه استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را برعهده دارد.

در ماده 4 از قانون فوق، به مأموریت و وظایف عمده نیروی انتظامی اشاره گردیده که

عبارت‌اند از:

1. استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی؛
2. مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که منحل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات؛
3. تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هرگونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیرمجاز؛
4. اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها؛
5. حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه‌بندی شده غیرنظامی و حفظ حریم آنها؛

6. حفاظت از مسئولان و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثنای داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی، مگر در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود؛
7. جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیرمجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرح‌های مصوب شورای امنیت کشور؛
8. انجام وظایفی که بر طبق قانون به‌عنوان ضابط قوه قضائیه به‌عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:
- الف. مبارزه با مواد مخدر؛
 - ب. مبارزه با قاچاق؛
 - ج. مبارزه با منکرات و فساد؛
 - د. پیشگیری از وقوع جرائم؛
 - ه. کشف جرائم؛
 - و. بازرسی و تحقیق؛
 - ز. حفظ آثار و دلایل جرم؛
 - ح. دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آنها؛
 - ط. اجرا و ابلاغ احکام قضایی.
9. انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرائم؛
10. مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها؛
11. اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (به‌جز گذرنامه سیاسی و خدمت) و ورود و اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه در

- مورد اتباع خارجی تحت پوشش دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه)؛
12. اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزین و حفظ حریم راه‌های کشور؛
13. اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی؛
14. نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب؛
15. همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور؛
16. همکاری با دبیرخانه پلیس بین‌الملل (اینترپول)؛
17. همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و شهرداری‌ها در حدود قوانین و مقررات مربوط؛
18. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به‌منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله؛
19. انجام امور امدادی و مردم‌یاری، در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مرجع ذی‌ربط؛
20. سازماندهی، تجهیز، آموزش یگان‌های انتظامی و آماده‌کردن آن‌ها برای اجرای مأموریت‌های محوله؛
21. تأمین و حفاظت از تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوط؛
22. تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط، در حد بُرد سلاح ضدهوایی سازمانی، با هماهنگی و کنترل عملیاتی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران؛
23. تأمین نیازهای پزشکی کارکنان و اداره بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مربوط؛

24. تهیه طرح نیازمندی‌های لجستیکی و اقدام درجهت تهیه و خرید اقلام و خدماتی که از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به‌عهده نیروی انتظامی واگذار می‌گردد. همچنین اقدام برای خرید املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرح‌های مصوب؛

25. تلاش مداوم و مستمر درجهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی؛

26. تلاش مداوم و مستمر درجهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی.

نیروی انتظامی با توجه به وظایف برشمرده شده که اغلب در زمینه تأمین امنیت اجتماعی خلاصه می‌شود، باید به‌گونه‌ای عمل کند که در بخش اجتماعی مورد اعتماد و مشورت مردم واقع شود، در واقع نیروی انتظامی باید مأمین مردم باشد. نیروی انتظامی نباید کاری کند یا برنامه‌ای را اجرا کند به‌نحوی که فقط با گروه خاصی ارتباط داشته باشد. اگر وضع این‌گونه شود و وحدت بین مردم حاصل شود و نیروی انتظامی هم در تعامل خوبی با مردم باشد، امنیت اجتماعی هم طبیعتاً از طریق مردم و با مردم و برای مردم امکان‌پذیر است. مقوله امنیت و اهمیت نقش و کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای عملی و روانی تأمین آن در جامعه، از جمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده است و این به‌خصوص ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخش‌های نظام سیاسی به جهت ایفای هر چه بهتر رسالت خطیر آن در تأمین امنیت عمومی جامعه را می‌طلبد.

در بحث انتظامی و امنیت اجتماعی، پلیس برای برقراری نظم و برخورد با متخلفان، معمولاً با مردم کشور مواجه می‌شود و استثنائاً در مواردی هم با دشمن مواجه است. برخورد پلیس اغلب با افراد متخلف و یا آلوده است، به همین دلیل وقتی ما نیروی انتظامی را در شرایط اضطراری برای ایجاد نظم و امنیت می‌خواهیم وارد عمل کنیم، خیلی باید با احتیاط عمل نماییم، چون نیروی نظامی با تاکتیک مقابله با دشمن آشناست و اساساً برای مواجهه با دشمن تربیت شده است. آموزش نیروی نظامی برای مقابله،

برخورد و جنگ با دشمن است، درحالی که نیروی انتظامی برای مقابله با افراد منحرف و یا ناآگاه، تربیت شده است. به همین دلیل وقتی فردی از نیروی نظامی به نیروی انتظامی منتقل می‌شود، لازم است آموزش‌های لازم را طی کند، چرا که او قبلاً همواره به فکر نحوه مقابله با دشمن بوده، حال آنکه اینجا باید با هم‌وطنی مواجه شود که به‌گونه دیگری می‌اندیشد و یا منحرف و فاسد است. نیروی نظامی می‌خواهد دشمن را برای همیشه براند، نیروی انتظامی می‌خواهد فرد منحرف را پس از اصلاح به جامعه برگرداند.

پلیس از یک سو، یک نیروی دولتی اجبارآمیز است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به‌صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر، یک نیروی مدنی است که هیچ فاصله‌ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را هر روزه در خیابان‌های شهر، رسانه‌ها، در مکان‌های عمومی و در تشریفات و آیین‌های خاص مشاهده می‌کنیم، مثلاً وقتی می‌بینیم مأمور پلیس، دست کودک دانش‌آموزی را گرفته و او را از مسیر خط‌کشی شده ویژه عابران پیاده عبور می‌دهد، اگرچه در لباس مأمور امنیت است، اما در آن لحظه نقش مدنی و آموزشی دارد، نه نقش اقتداری و سازمانی (شاگری، 1381: 30).

هویت مدنی و اجتماعی پلیس عمدتاً در سطح عوامل پلیس (یعنی مأموران) در حیطه عمل و رفتار پلیس ظاهر می‌شود. بدین معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و باتوجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید. پاسخگویی به دریافت‌کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و پلیس محلی¹، از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیس می‌باشد، منشأ و پیدایش پاسخگویی به تعامل حوزه عمومی و حوزه قدرت، یعنی رابطه دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد. در این رویکرد، مسئولیت و قدرت پلیس که

1. Local police

به‌طور غیر مستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده، مستلزم و موجب پاسخگویی پلیس به حوزه عمومی یعنی مصرف‌کنندگان خدمات پلیسی می‌باشد.

براساس موارد فوق، پاسخگویی پلیس به شکل نهادی، سه حوزه زیر را دربر می‌گیرد:

1. پاسخگویی به ارباب رجوع یا کسانی که از خدمات پلیس استفاده می‌کنند؛
2. پاسخگویی به همکاران، سازمان‌ها و سایر مراکز؛
3. پاسخگویی به کلیت جامعه که عملیات کامل پلیسی در آن صورت می‌گیرد (همان، 33).

وجهی دیگر از هویت مدنی پلیس، در کارکرد صلح‌آمیز تفاهم‌جویانه و هم‌زیستی گرایانه آن با مردم دیده شده است. در نگرش‌های جدید متأثر از گفتمان‌ها و پارادایم‌های پست‌مدرنیستی، پلیس یک نیروی خشن و سرکوبگر و تنبیه‌کننده نیست، بلکه پلیس با وارد شدن به جهان و شبکه رفتاری و معنایی انسان‌ها و همدردی با ایشان، با روش‌های غیرمستقیم و بسیار ظریف، به هدف‌های دراز مدت خود که همان صلح و آرامش جامعه است، دست می‌یابد. این رویکرد، نگاه بسیار جدیدی به پلیس است، زیرا دیگر بر نقش و کارکرد دولتی و قانونی پلیس که در آن یک مأمور پلیس صرفاً مسئول جلوگیری از دست‌اندازی به قوانین و مجازات متخلفان و قانون‌شکنان است، تأکید نمی‌ورزد، بلکه این موقعیت و جایگاه مدنی و انسانی پلیس است که پاسداری از صلح را به ارمغان می‌آورد (همان، 35).

به‌طور خاص، نقش و کارکرد نیروی انتظامی در برقراری امنیت اجتماعی، در یک تقسیم‌بندی کلی، شامل موارد زیر می‌شود:

1. برقراری امنیت در درون شهرها: یکی از وظایف مهم نیروی انتظامی، تأمین امنیت در درون شهرهاست. از آنجاکه نقطه ثقل تمام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در شهرها (خصوصاً شهرهای بزرگ)، مراکز استان‌ها و تهران است، تأمین امنیت آن‌ها نیز وظیفه‌ای بسیار خطیر و مهم است؛

2. برقراری امنیت در مناطق برون شهری: باتوجه به وسعت زیاد کشور و محدودیت شدید امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی در نیروی انتظامی، این نیرو تلاش وسیعی نموده تا امنیت را در مناطق غیرشهری نیز برقرار کند. وجود پاسگاه‌ها در مناطق غیر شهری (در روستا، دهستان و بخش) به مناطق ساحلی و در راه‌ها و مراکز حساس کشور به‌منظور تأمین همین هدف مهم است؛
3. برقراری نظم در شهرها و...: تأمین نظم عمومی در کنار امنیت، وظیفه خطیری است که برعهده نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی با بهره‌گیری از پلیس راهنمایی و رانندگی و پلیس راه، به برقراری نظم عبور و مرور مدد می‌رساند؛
4. تأمین امنیت در مراکز خاص و حساس: از آنجاکه امکان اخلاف در امنیت، از طریق یا بر علیه این مراکز بسیار زیاد است، نیروی انتظامی به‌طور خاص، حفاظت از امنیت این مراکز خاص و حساس - اعم از سیاسی، اقتصادی و خدماتی - را عهده‌دار است؛
5. مبارزه با مواد مخدر: باتوجه به وضعیت طبیعی مرزهای طولانی شرق کشور و مجهز بودن سوداگران بین‌المللی تجارت مواد افیونی به انواع وسایل و تجهیزات پیشرفته جنگی و مخابراتی و کمبود امکانات نیروی انتظامی برای مقابله مؤثر و با عنایت به تأثیر مستقیم مواد مخدر و قاچاق و ترانزیت بین‌المللی آن از طریق جمهوری اسلامی ایران، اهمیت اقدامات نیروی انتظامی در این خصوص آشکارتر و مشکلات عظیم آن در این خصوص نمایان‌تر می‌شود؛
6. مبارزه با کالای قاچاق: انواع کالاهای غیرمجازی که از طریق مختلف وارد کشور می‌شوند، صدمات زیادی به اقتصاد و فرهنگ جامعه وارد می‌آورند و دارای تبعات سیاسی و حتی امنیتی نیز می‌باشند. با عنایت به گستردگی

وسعت سرزمین و مرزهای طولانی آبی - خاکی با کشورهای همجوار و همچنین روش‌های جدید حمل و نقل کالاهای قاچاق از طریق مبادی ورودی و خروجی کشور، نیروی انتظامی نقش انکارناپذیری در این حوزه دارد؛

7. مبارزه با مفاسد اجتماعی: مفاسد اجتماعی از دو جهت برای جامعه خطرناک

است: نخست از دیدگاه اسلامی این مفاسد به منزله میکروب‌هایی هستند که به جان جامعه اسلامی افتاده و با تکثیر آنها، اعضای این اندام را به بیماری کشانده و حتی ممکن است برخی از آنها را از کار بیندازند. از سوی دیگر، این مفاسد تبعات سوء امنیتی و اخلال در نظم عمومی نیز دارد. امروزه با گسترش تبدلات بین‌المللی، انواع ارتباطات تصویری و مخابراتی، تعمیق فساد در کشورهای غرب و تبعات سوء آن در سایر کشورها و... این مفاسد شیوع بیشتری یافته و مبارزه با آن نیز امری واجب به شمار می‌رود؛

8. ضابطین قوه قضائیه: نیروی انتظامی قانوناً ضابط قوه قضائیه است. این

مأموریت نیروی انتظامی از دو جهت اهمیت ویژه دارد: نخست آنکه کمک به اجرای عدالت است که عاملی برای تحقق نظم و امنیت اجتماعی در سطح جامعه است. دوم آنکه اجرای عملی قوانین در سطح جامعه و به‌صورت عینی و ملموس است. بنابراین انجام صحیح این وظیفه مهم، علاوه بر اجرای عدالت و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی، کمک بسیار مؤثری به اجرای سیاست قانون‌گرایی است؛

9. سایر خدمات: نیروی انتظامی علاوه بر تأمین نظم و امنیت، خدمات

گوناگونی را به جامعه عرضه می‌نماید: از جمله گذرنامه، سازمان نظام وظیفه عمومی، پلیس بین‌الملل و... این مراکز در عین حال که به انسجام انواع خدمات اجتماعی مشغول‌اند، در حفظ و تحقق امنیت نیز بسیار مؤثرند (دوستدار، 1388: 147-148).

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد گفته شده، نتیجه‌گیری این بحث در قالب بندهای زیر آورده شده است:

- امنیت اجتماعی یکی از عناصر اصلی برای حضور پایدار و پیشرفت است و بدون آن همه حضورها موقتی و غیرمؤثر است. امنیت رکن اصلی جامعه و در سایه امنیت است که جامعه‌ای بادوام خواهیم داشت؛
- مقوله امنیت اجتماعی مقوله‌ای نسبی است. نگاه مطلق‌گرایانه به آن، مسیر منطقی و علمی بحث را به انحراف خواهد کشید، چرا که احساس وجود یا عدم وجود آن به ادراک افرادی پیوند می‌خورد که با این مقوله سروکار دارند. باید پذیرفت که بنیاد امنیت اجتماعی، آگاهی و آگاهسازی مردم است. ناآگاه بودن مردم، در واقع از بین‌برنده امنیت است. به آگاهی همه انسان‌ها و همه مردم باید توجه کرد؛
- دامنه اقدامات نیروی انتظامی بسیار گسترده است و تصور نمی‌شود هیچ سازمانی وظایف گسترده‌ای همانند نیروی انتظامی داشته باشد. ماده 4 قانون ناجا مصوب 27 تیرماه 1369 وظایف نیروی انتظامی را در 26 بند احصا نموده است. تعمیق در هریک از بندها اهمیت وظایف و مأموریت آن را مشخص می‌نماید؛
- برقراری نظم و امنیت اجتماعی، رکن اصلی و محور فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازمان‌های اجتماعی بوده و شکوفایی فعالیت‌های اجتماع و تعالی آن نیازمند یک محیط امن اجتماعی است که بخش اعظم این امر، توسط ناجا انجام می‌گیرد؛
- نیروی انتظامی در مقام دستگاهی که دارای اقتدار ناشی از دولت و قانون است، ارتباط وثیقی با حوزه عمومی (غیرقدرت) یعنی جامعه دارد. جامعه نیز متشکل از مردم و ساختارهاست. بخش مهمی از این ارتباط در گرو

افزایش آگاهی‌های شهروندی و ایجاد یک فرهنگ پویا و ملی در جهت اعتماد به پلیس است. به همین دلیل تأکید بر مسائلی مثل آموزش، تبلیغات مثبت، فرهنگ‌سازی، جامعه‌پذیری، اعتمادسازی و... راهکارهایی مستلزم زمان هستند. مهم این است که نیروی انتظامی در سطح کلان سیاستگذاری، به حوزه عمومی اهتمام بیشتری داشته باشد و همچنان که در دوران سازندگی توسعه بخش خصوصی و در دوران توسعه سیاسی، گسترش مشارکت سیاسی مردم، اصل تلقی می‌شد، در حوزه امنیت هم باید نگرش دولت‌گرایانه به یک نگرش «دولت‌مردم» تغییر یافته و فرایندهای امنیت و ثبات عمومی با مدیریت دولت و مشارکت اجتماعی به سامان برسد؛

- مطالب ارائه شده در بخش‌های فوق، گویای این واقعیت است که در پاسخ به سؤال اصلی مقاله، نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی نقش محوری و اثرگذار دارد. نیروی انتظامی می‌تواند با به‌کارگیری روش‌های مختلف، موجبات تأمین و حتی ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه را فراهم نماید.

پیشنهادها و راهکارها:

- نیروی انتظامی در برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی، با افراد جامعه سروکار دارد. توجه به ایجاد بسترهای ارتباطی فعال و زنده در جهت جلب مشارکت مردمی برای برقراری امنیت اجتماعی، همواره می‌بایستی مورد توجه مسئولان نیروی انتظامی قرار گیرد؛
- انحرافات و تهاجمات فرهنگی و تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها، از طریق پلیس شناسایی شده و به‌صورت مناسب و صحیح به آحاد مردم جامعه اطلاع‌رسانی شود؛
- نیروی انتظامی باید با همکاری سایر دستگاه‌ها به‌ویژه متولیان امور فرهنگ و آموزش جامعه، فرزندان این مرز و بوم را به گونه‌ای پرورش دهد و فرایند

جامعه‌پذیری، آن‌ها را طوری هدایت کند که برای رفتار قانون‌مند و مطابق ارزش‌ها و هنجارها بی‌نیاز از حضور پلیس باشند. به عبارت دیگر علاوه بر اینکه پلیس دیگران هستند، پلیس خود نیز باشند و عاملی درونی و قوی ایشان را در برقراری امنیت اجتماعی هدایت کند؛

- اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه (پیش‌بینی، پیش‌دستی، بازدارنده) توسط پلیس، در راستای کاهش جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی به منظور حفظ آسایش و آرامش روانی جامعه و ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه، بسیار مؤثر خواهد بود؛

- دولت در مقام سیاستگذار امنیت اجتماعی در کشور، باید در پس‌زمینه برنامه‌ها و سیاست‌های خود متوجه این امر باشد که در شرایط گذار به توسعه‌یافتگی در اثر خصوصی‌شدن فرایندها در جامعه، امنیت اجتماعی با امنیت خصوصی چالش پیدا می‌کند و نیروی انتظامی در این وضع نباید دچار دوگانگی شود: زیرا اولاً دغدغه امنیت اجتماعی وجود دارد و ثانیاً امنیت و حوزه خصوصی شهروندان مهم است که جمع میان این دو، باید در سیاستگذاری‌های کلان امنیتی مدنظر قرار گیرد تا نیروی انتظامی در عمل دچار سرگردانی نشود؛

- برگزاری نشست علمی و هم‌اندیشی پیرامون پلیس و امنیت اجتماعی و اخذ نظرات صاحب‌نظران امور امنیتی؛

- از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نیز پلیس چون با توده مردم سروکار دارد، باید از چهره اقناعی قدرت، استفاده کند. این چهره ابتدا باید بومی‌سازی شده و آنگاه پلیس با استفاده از منابع و ابزارهای بومی، به اعمال قدرت اقناعی بپردازد. در جامعه‌شناسی سیاسی، سه عنصر قدرت (سلطه یا زور) مشروعیت (ایدئولوژی) و منابع گروه‌های اجتماعی، ارکان جامعه سیاسی به شمار می‌روند. هر بخش از جامعه هم با یکی از این سه وجه قدرت آشنایی

و سروکار دارد. عامه مردم که دریافت‌کننده پیام‌های ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی هستند، بیشتر با چهره مشروعیت بخش و ایدئولوژیک آن‌ها سروکار دارند. بنابراین نیروی انتظامی باید جلوه مشروعیت‌بخش و ایدئولوژی نظام سیاسی خود را برجسته کند. به همین دلیل است که لباس نیروی انتظامی، ظاهر او، فیزیک چهره، اندام، ابزار و امکانات، همگی در نفوذ بر مردم و بسط مشروعیت، مؤثر بوده و می‌تواند در تأمین هر چه بهتر امنیت اجتماعی تأثیرگذار باشد؛

- انتخاب فرماندهان و مدیران شایسته و لایق و آشنا به امور امنیتی و جامعه‌شناختی، در نیروی انتظامی؛
- تلاش در راستای اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری توسط نهادها، سازمان‌هایی که در راستای تولید و حفظ امنیت با نیروی انتظامی مشارکت دارند، با ارائه پیشنهادها و راهکارهای مناسب به آن سازمان‌ها و نهادها و هماهنگ نمودن همه تلاش‌ها برای رسیدن به برآیند یکسان؛
- ایجاد تغییر در تفکر و منش بدنه نیرو از تفکر تهدیدمحور به جامعه‌محور و شکل‌گیری مفهوم عملی پلیس اجتماعی؛
- برقراری و ایجاد تعامل سازنده و منطقی میان بدنه نیروهای پلیس با اقشار فرهنگی، اجتماعی و علمی؛
- استفاده از فنون عملیات روانی در جهت همسو ساختن فضای جامعه با مأموریت‌های نیروی انتظامی؛
- آموزش رفتاری و تربیت انتظامی مردم با الگوسازی و استانداردهای رفتاری کارکنان ناجا، از طریق رفتار مؤدبانه با مردم و با روش حل مسئله در تأمین امنیت اجتماعی؛
- سالم‌سازی فضای ناجا با تقویت ایمان و اعتقادات کارکنان و ارائه خدمات امنیتی، انتظامی و رفاهی توأم با صداقت، دلسوزی، دقت و سرعت به مردم؛

- حضور مقتدرانه پلیس در عرصه‌های اجتماعی و انجام اقدامات مثبت و ایجابی در تأمین امنیت اجتماعی؛
- توجه پلیس به امر اطلاع‌رسانی و آموزش‌های عمومی: پوشش خبری وقایع امنیتی و جنایی به شیوه‌های مطلوب و ارائه برنامه آموزشی درخصوص شاخص‌های امنیت اجتماعی (از قبیل چگونگی حفاظت از مال، جان، عرض و ناموس و...) زمینه مساعدی را برای تأمین امنیت اجتماعی به وجود خواهد آورد؛
- تعمیم و گسترش فرهنگ حمایت اجتماعی از نیروی انتظامی: در صورتی که جامعه به سطحی از فرهنگ رسیده باشد که نهادهای تأمین‌کننده امنیت اجتماعی را از خود بدانند، قطعاً باعث بهبود وضعیت موجود خواهد بود. به‌عنوان مثال: در هنگام مقابله با خطر و تعقیب و دستگیری و جریمه نمودن افراد متخلف و ناقض قانون، آنچه پلیس را تقویت می‌کند حمایت اجتماعی است، نه قدرت اسلحه و وسایل دیگر مورد استفاده در کار پلیسی. در این صورت است که مردم به راحتی حوادث و اتفاقات را به پلیس گزارش می‌دهند و توصیه‌های ایمنی او را نیز جدی می‌گیرند؛
- طراحی مدل بومی و الگوی مناسب تأمین امنیت اجتماعی با روش‌های علمی و منطبق با فرهنگ جامعه مردم‌سالار دینی و استانداردسازی رفتارها در عمل و نظر، به‌صورت هماهنگ توسط همه کارگزاران.

منابع

- § «قرآن کریم»
- § آریان‌پور کاشانی، عباس و منوچهر (1370)، «فرهنگ انگلیسی و فارسی»، چاپ هفتم، تهران: سپهر.
- § افتخاری، اصغر (1384)، «معمای امنیت عمومی؛ درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه»، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- § افتخاری، اصغر (1385)، «کالبد شکافی تهدید»، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- § بابائیان، علی (1388)، «نقش و جایگاه رویکرد نرم‌افزاری در تأمین امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 11.
- § باقری، علی (1387)، «وحدت بین مردم و نقش آن در تأمین امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 6.
- § بوزان، باری (1387)، «مردم، دولت‌ها، هراس»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- § چگینی‌زاده، غلامعلی (1379)، «رویکردی نظری به مفهوم امنیت ملی در جهان سوم»، مجله سیاست خارجی.
- § خوش‌فر، غلامرضا (1380)، «بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 163 و 164.
- § دوستدار، رضا (1388)، «پلیس و امنیت»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 10.
- § ربیعی، علی (1383)، «مطالعات امنیت ملی»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه.
- § شاکری، سید رضا (1381)، «پلیس، مردم و امنیت عمومی»، تهران: ساعس ناجا.
- § عرب‌انصاری، مهدی (1391)، «نقش و تأثیر حجاب در ارتقای امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 22.

- § غرایق‌زندی، داود (1386)، «امنیت اجتماعی در پرتو شیوه‌های حل کشمکش‌های اجتماعی»، فصلنامه امنیت عمومی، شماره 2 و 3.
- § فرض‌اللهی، سردار (1390)، «نظارت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی و احساس امنیت در جامعه»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی شماره 20.
- § کریمایی، علی‌اعظم (1386)، «بررسی نقش پلیس در امنیت اجتماعی ایران»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 4.
- § کریمایی، علی‌اعظم (1386)، «تأملی در شناخت امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره 3.
- § کریمی، محمدهادی (1388)، «امنیت اجتماعی»، انتشار در انتیران؛ پایگاه اطلاع‌رسانی غیردولتی انتخابات ایران.
- § کوچی، سعید (1392)، «بررسی جایگاه امنیت در مدیریت شهر تهران (با رویکرد انتظامی)»، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، شماره 29.
- § معین، محمد (1375)، «فرهنگ معین»، چاپ نهم، تهران: سرایش.
- § معین، محمد (1384)، «فرهنگ معین»، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- § نویدنیا، منیژه (1384)، «فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی»، تهران: آشنایی.
- § واثقی، قاسم (1380)، «تدابیر و سیره عملی امام علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی»، تهران: هما.